

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نبرد هوایی لیبی

نبرد هوایی لیبی

تالیف:

KARL P. MUELLER

ترجمه:

محسن هنرمند



بهار ۱۳۹۹

عنوان و نام پدیدآور: نبرد هوایی لیبی / تالیف|صحیح ویراستار| کارل پی. مولر؛ ترجمه محسن هنرمند.
مشخصات نشر: تهران: شرکت هوافضای برآ، انتشارات هوانورد، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۳۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۲۹۱-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Precision and purpose : airpower in the Libyan Civil War,c2015.
یادداشت: ویراست قبلی کتاب حاضر با همین عنوان با ترجمه محسن هنرمند، ابوالفضل توکلی توسط انتشارات ارتش

جمهوری اسلامی ایران، قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص) در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است.

موضوع: قدرت هوایی -- تاریخ -- قرن ۲۱م.

موضوع: Air power -- History -- 21st century

موضوع: لیبی -- تاریخ -- جنگ داخلی، ۲۰۱۱م. -- عملیات هوایی

موضوع: Libya -- History -- Civil War, 2011- -- Aerial operations

موضوع: لیبی -- تاریخ -- جنگ داخلی، ۲۰۱۱م. -- نبردها

موضوع: Libya -- History -- Civil War, 2011- -- Campaigns

شناسه افزوده: مولر، کارل پی. شناسه افزوده: Mueller, Karl P.

شناسه افزوده: هنرمند، محسن، ۱۳۶۲ - مترجم

رده بندی کنگره: DT ۲۳۶

رده بندی دیویی: ۹۶۱ / ۲۰۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۷۸۹۱۹



نام کتاب: نبرد هوایی لیبی

تالیف: KARL P. MUELLER

ترجمه: محسن هنرمند

ناشر: هوانورد (وابسته به شرکت مهندسی هوافضای برآ)

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۷۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۲۹-۱-۶

◀ کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است. نقل مطالب فقط با ذکر مشخصات کامل کتاب

و با اشاره به نام ناشر مجاز است.

◀ برای تهیه این کتاب می‌توانید به وبگاه www.aeroshop.ir مراجعه کنید

یا با شماره تلفن ۷۷۸۵۰۲۵۹ - ۰۲۱ تماس حاصل فرمائید.

تقدیم بہ

مہربانی ٹائی از جنس آب، زلال و بی ریا۔

دو فرشتہ می زندگی ام؛

یکی، آن کہ مرابہ جان، پرورید و دیکر، آن کہ یاس و جودم را باغبان، اوست۔ بردستان بوسہ می زخم کہ:

”از دامن زن، مرد بہ معراج می رود“۔

۱۷

فصل ۱ بررسی نبرد هوایی لیبی

- ۱۸ مقدمه
- ۱۹ بررسی نبرد هوایی لیبی
- ۲۰ عراق و کویت: عملیات طوفان صحرا، سال ۱۹۹۱
- ۲۱ بوسنی: عملیات نیروی حساب شده، سال ۱۹۹۵
- ۲۱ صربستان: عملیات نیروهای متحد، سال ۱۹۹۹
- ۲۲ افغانستان: عملیات آزادسازی ماندگار، سال ۲۰۰۱
- ۲۲ چرا نبرد هوایی لیبی حائز اهمیت است؟

۲۵

فصل ۲ چشم انداز استراتژیک و سیاسی مداخله

- ۲۶ مقدمه
- ۲۶ لیبی و بهار عربی
- ۲۸ مشاجره برای مداخله
- ۳۲ قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل
- ۳۶ عملیات طلوع اودیسه
- ۴۰ انتقال فرماندهی به ناتو
- ۴۳ عملیات محافظین متحد
- ۴۹ نجات مصراته
- ۵۰ عملیات‌های دریایی
- ۵۱ عملیات‌های فرسایشی
- ۵۲ افزایش فشار دیپلماتیک
- ۵۵ پیدایش جبهه غربی
- ۵۷ سقوط طرابلس
- ۶۰ تأثیر بر ناتو

۶۳	مقدمه
۶۵	قدرت هوایی و پدافند هوایی لیبی: نیرویی در حاشیه و پوچ
۶۵	عدم وجود سامانه پدافند هوایی یکپارچه (IADS)
۶۷	قیام نیروی هوایی
۷۱	در میان بهت و خشم: درک قدرت هوایی ناتو
۷۲	پشتیبانی هوایی نزدیک و رهگیری
۷۶	ایستادگی و پاسخگویی
۷۸	خسارات جانبی و شلیک به نیروهای خودی
۷۹	تأثیر روانی حملات هوایی
۸۱	هدف‌یابی و هماهنگی با ناتو
۸۷	نتیجه‌گیری

۹۱	مقدمه
۹۲	مداخله
۱۰۰	گسترش‌ها و عملیات‌ها
۱۰۲	فرماندهی تحرک هوایی (AMC)
۱۱۸	فرماندهی رزم هوایی (ACC)
۱۲۱	نیروی هوایی آمریکا در اروپا (USAFE)
۱۲۴	فرماندهی فضایی نیروی هوایی (AFSPC)
۱۳۱	متحدین
۱۳۴	نتایج و آموخته‌ها

۱۴۱	مقدمه
۱۴۲	طرح‌ریزی و ملزومات نظامی ایالات متحده آمریکا
۱۴۳	فرماندهی آفریقایی و تکامل ساختار فرماندهی و کنترل
۱۴۸	نیروی رزمی مشترک طلوع اودیسه (JTF-OOD)

۱۴۹	تکامل رهنمودهای استراتژیک
۱۵۴	یکپارچه شدن ائتلاف
۱۵۵	طرح عملیات
۱۵۷	نیروهای تخصیص یافته ایالات متحده آمریکا
۱۶۲	هدفیابی در عملیات طلوع اودیسه
۱۶۳	استراتژی اهداف محدود
۱۶۷	عملیات‌های هوایی تفنگداران دریایی
۱۶۸	از طلوع اودیسه تا محافظین متحد
۱۷۳	عملیات محافظین متحد
۱۷۴	انتقال به ناتو
۱۷۶	آرایش نیروها
۱۷۹	تغییرات در طرح عملیات‌ها
۱۸۴	نتیجه‌گیری

۱۹۰

فصل ۶ تجربه انگلستان: عملیات Ellamy

۱۹۱	مقدمه
۱۹۲	مداخله و نخستین تهاجمات هوایی انگلستان
۱۹۵	تصمیم انگلستان برای مداخله
۱۹۸	ارزیابی قابلیت‌های رژیم
۲۰۰	وابستگی به سامانه‌های ISTAR هوابرد
۲۰۲	حساسیت‌های سیاسی و ترس از بن‌بست
۲۰۷	انتقال به فرماندهی ناتو
۲۰۹	مشکلات اولیه در عملیات محافظین متحد
۲۱۰	تسلیمات مورد علاقه
۲۱۱	شدت عمل عملیات‌های نیروی هوایی سلطنتی
۲۱۶	تقویت نیروی هوایی
۲۱۸	پیشروی به طرابلس
۲۲۱	آموخته‌ها و نتیجه‌گیری

فصل ۷ تجربه فرانسه: جنگ سارکوزی؟

۲۳۰

۲۳۱

مقدمه

۲۳۲

چرا و چگونه فرانسه تصمیم به مداخله گرفت؟

۲۳۲

لیبی و بهار عربی

۲۳۳

روابط طولانی و پیچیده فرانسه با لیبی دوران قذافی

۲۳۴

ارزیابی شرایط انسانی و سیاسی

۲۳۴

فرایند سازمان ملل و تصمیم به اقدام نظامی

۲۳۷

اتحادیه اروپا، ناتو یا ائتلافی از داوطلبین؟

۲۳۹

آیا فرانسه در صندلی راننده قرار داشت؟

۲۴۰

درگیری نظامی فرانسه

۲۴۲

گسترش و ساختار فرماندهی

۲۴۳

گزینه‌های پایگاه‌ها

۲۴۴

روزهای نخست عملیات

۲۴۶

چه کسی مسئول است؟

۲۴۷

عملیات‌ها

۲۵۱

نقش یگان‌های زمینی

۲۵۲

همکاری با ائتلاف

۲۵۳

آموخته‌های لیبی

۲۵۳

درس‌های نظامی

۲۵۷

درس‌های سیاسی - نظامی

۲۵۸

لیبی و آینده جنگ: مدلی برای درگیری‌های آتی

۲۶۰

فصل ۸ تجربه ایتالیا: محوری و کمتر از حد انتظار

۲۶۱

مقدمه

۲۶۳

سناریوی سیاسی

۲۶۵

وضعیت و دکترین نیروی هوایی ایتالیا (ITAF)

۲۶۹

خلاصه عملیات

۲۶۹

جاده منتهی به جنگ

۲۷۷	طلوع اودیسه
۲۸۱	عملیات محافظین متحد
۲۹۰	نتیجه‌گیری
۲۹۱	درس های مستقیم
۲۹۴	ملاحظات بیشتر
۲۹۶	ملاحظات برای قدرت هوایی

۲۹۸ فصل ۹ پیروزی از طریق (نه توسط) قدرت هوایی

۲۹۹	مقدمه
۲۹۹	چه چیزی به دست آمد؟
۳۰۰	ممانعت از پیروزی رژیم
۳۰۲	دگرگون شدن شرایط و فراهم آمدن پیروزی برای انقلابیون
۳۰۵	نجات انسان‌ها
۳۰۶	مداخله با هزینه پایین
۳۰۸	پیروزی لیبی
۳۰۸	چه چیزی آموختیم - یا باید به خاطر داشته باشیم؟
۳۰۹	قدرت هوایی پیشرفته و نه کامل
۳۰۹	قدرت هوایی به منزله امتداد سیاست
۳۱۰	محدودیت‌های پویایی قدرت هوایی
۳۱۱	کمیت هنوز هم دارای کیفیت مختص به خود است
۳۱۲	حفاظت از غیرنظامیان
۳۱۳	ائتلاف و مشارکت
۳۱۳	گردآوری عقاب‌ها
۳۱۵	خلاً توانگر کننده‌ها
۳۱۷	جنگ هوایی ناتو و ائتلاف
۳۱۸	آیا لیبی الگویی برای آینده است؟
۳۲۰	احراز آمادگی برای مداخلات هوایی آینده
۳۲۱	عصر قدرت هوایی

فصل ۱۰ پیوست

پیوست الف) سیر زمانی وقایع در لیبی

پیوست ب) آرایش هوایی نیروها

۳۲۲

۳۲۳

۳۳۲

بیشگفتار

جنگ داخلی یا انقلاب ۲۰۱۱ لیبی، که با نام انقلاب ۱۷ فوریه نیز شناخته می‌شود، از اواسط فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی، به دنبال بالا گرفتن اعتراضات و راهپیمایی‌های خیابانی مخالفان و سپس شورش سراسری علیه حکومت لیبی و رهبر آن، معمر قذافی آغاز شد. ادامه این خشونت‌ها همراه بود با درگیری‌ها و سرکوب‌های شدید که در نهایت در اکتبر ۲۰۱۱ میلادی با سرنگونی حکومت معمر قذافی به پایان رسید.

اعتراضات از سیزدهم ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، در این کشور آغاز شد و از روز هفدهم فوریه به شکلی گسترده درآمد و به یک شورش سراسری تبدیل شد. این شورش‌ها با برخوردهای خونین رژیم قذافی با مردم معترض همراه شد و به تدریج همه شهرهای لیبی را فراگرفت و به جنگ‌های شهری و بین شهری، میان مخالفین و هواداران حکومت منجر شد. نیروهای مخالف حکومت، در شهر بنغازی اقدام به تشکیل دولت موقت کردند و از شرق لیبی حرکت خود را آغاز کرده و به تدریج مناطق مرکزی و غربی لیبی را نیز تحت کنترل خود گرفتند. شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای دارای‌های معمر قذافی و ده نفر از نزدیکان وی را توقیف کرد و مسافرت آنان به سایر نقاط جهان را محدود ساخت. براساس این قطعنامه، مقرر شد که اقدامات معمر قذافی و نزدیکانش توسط دادگاه کیفری بین‌المللی پیگیری شود و نهایتاً در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۱ میلادی دستور بازداشت معمر قذافی صادر شد. با پیشروی‌های مخالفان بیشتر شهرهای شرق کشور و نیمی از شهرهای شمال غربی به کنترل مخالفان درآمد ولی پایتخت لیبی و چندین شهر دیگر در غرب کشور در دست نیروهای دولتی باقی ماند. در اوایل ماه مارس ۲۰۱۱ نیروهای قذافی شهرهای شرق لیبی از جمله بنغازی و چندین شهر دیگر را مورد هجوم توپخانه‌ای و راکتی قرار دادند. در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ میلادی به درخواست برخی از اعضای شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۱۹۷۳ مبنی بر ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی به تصویب رسید. ۱۰ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت از تصویب این قطعنامه حمایت کردند.

از نوزدهم مارس الی ۳۱ اکتبر سال ۲۰۱۱، ایالات متحده آمریکا و ائتلافی متشکل از کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و کشورهای دوست، در یک جنگ هوایی سنگین علیه لیبی شرکت نمودند. عملیات طلوع اودیسه و محافظین

متحد طراحی شدند تا مطابق با قطعنامه سازمان ملل و هماهنگ با جنبش جدید مخالف شکل گرفته در لیبی، از مردم غیرنظامی محافظت به عمل آید؛ اقداماتی که نهایتاً منجر به شکست و برچیده شدن حکومت مستبدانه سرهنگ معمر قذافی گردید. نبردی که طی آن ائتلاف دچار صدماتی نگردید و با هزینه نسبتاً پایین چند میلیارد دلاری، اکنون به الگویی برای عملیات‌های برون‌مرزی ایالات متحده آمریکا و ناتو تبدیل شده است.



در این نوشتار که توسط گروهی از متخصصین بین‌المللی و آمریکایی نگاشته شده، اصول، طرح‌ها، نحوه اجرا و نتایج نبرد هوایی بررسی خواهد شد که ماحصل آن به تصویر کشیدن درس‌های آموخته‌شده به منظور کمک به آماده‌سازی نیروی هوایی آمریکا و ائتلاف و شرکایش جهت استفاده در عملیات‌های آتی بوده و اتخاذ این استراتژی برای مداخله هوایی نویدبخش گزینه سیاسی می‌باشد. این کتاب با حمایت ژنرال فیلیپ بریدلاو^۱، معاون فرمانده نیروی هوایی و برنامه «نیروی هوایی» موسسه RAND نگاشته شده است.

محسن هنرمند

بهار ۹۹

^۱ Philip M. Breedlove

فصل ۱ بررسی نبرد هوایی لیبی



مقدمه

از مارس تا اکتبر سال ۲۰۱۱، ائتلافی از کشورهای عضو سازمان ناتو و کشورهای متعددی خارج از این سازمان، در یک نبرد جزئی اما سنگین بر ضد رژیم سرهنگ معمر قذافی در کشور لیبی مشارکت نمودند. در این مداخله ائتلاف در ابتدا نقش بازدارنده ایفا نمود و سپس جنگ داخلی لیبی را سروسامان بخشید و سبب شد تا قذافی نتواند مانع از پیشرفت جنبش تازه متولدشده انقلابیون - که به دنبال تغییر حکومت مستبدانه و قادر ساختن نیروهای مخالف برای چیره شدن بر دشمنانشان بودند - گردد، در حالی که بسیاری بر این عقیده بودند که بدون تهاجم نظامی نیروهای خارجی به لیبی، این امر امکان‌پذیر نبود. هسته اصلی این مداخله نظامی، نبرد هوایی چندملیتی نسبتاً کوچک با نیروهای اعزامی از پایگاه‌های ناتو مستقر در ایتالیا، فرانسه، یونان و کشورهای دیگر و همچنین شمار اندکی هواپیمای برخاسته از ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های آبی‌خاکی مستقر در دریای مدیترانه، بود.

در نگاه نخست، شاید تعجب‌برانگیز نباشد که آمریکا و تعدادی از قدرتمندترین متحدانش بتوانند در یک نبرد علیه نیرویی کوچک، به سرعت به پیروزی دست یابند. آنچه کسب پیروزی در این نبرد را شاخص می‌سازد، چگونگی دستیابی به آن است. از منظر سیاسی، سرعت و چابکی مداخله در بحرانی به سرعت در حال گسترش، بسیار بیشتر از آنچه بود که در واقعیت قابل دستیابی است. اگر مداخله آهسته‌تر صورت می‌گرفت، دلایل متعددی وجود دارد و حاکی از این است که قذافی می‌توانست جناح مخالف را سرکوب نماید. از جنبه نظامی، عملیات‌های طلوع اودیسه (OOD) و محافظین متحد (OUP) تنها چند میلیارد دلار هزینه داشته و هیچ‌کدام از کارکنان ائتلاف کشته نشده و یا به شدت زخمی نگردیدند و دقیقاً در مقابل عملیات‌های معاصر صورت گرفته در عراق و افغانستان قرار دارد که هزاران میلیارد دلار هزینه داشته و جان بسیاری از دست رفت.

به دلایل مختلف هنوز تمامی ابعاد این واقعه شناخته شده نیست، مخصوصاً در ایالات متحده آمریکا. در آن زمان بعضی از وقایع مطرح در رسانه‌های غربی بر این نبرد سایه افکندند، همانند جنگ فراگیرتر در افغانستان و عراق و پیامدهای ناشی از زلزله و سونامی ۱۱ مارس ۲۰۱۱ در ژاپن. حجم کوچک عملیات و عدم وجود خسارات به

ائتلاف سبب شد که از سر تیتراخبار در مقایسه با سایر جنگ‌هایی که آمریکا درگیر آن‌ها بوده فاصله گیرد، به‌علاوه ذات کلی نبرد هوایی، رؤیت پذیری محدود می‌باشد. در ضمن، برخی از کشورهای شرکت‌کننده در نبرد به دلایل مختلف سیاسی مشتاق به انتشار اقدامات خود نبوده و تمایل دارند در خصوص این نبرد سکوت نمایند. بااین‌وجود، پس از اتمام جنگ علیه رژیم قذافی، بسیاری از کشورها شروع به مطالعات درس‌های آموخته‌شده نمودند که غالب آن‌ها طبقه‌بندی‌شده و افشا نشده بوده و تحلیل‌های صورت گرفته که به چاپ رسیده‌اند به نسبت اندک هستند. هدف از این نوشتار پر کردن خلأ موجود با مطالعه نحوه استفاده ائتلاف از قدرت هوایی در لیبی، نتایج حاصل‌شده و تجاربی است که می‌تواند به طراحان نظامی و سیاسی درس‌هایی دهد که برای وضعیت‌های آینده که مداخلات مشابهی ملحوظ بوده و یا روی خواهند داد، به کار خواهند رفت.

مورد آخر بسیار کلیدی است، چون می‌بایست به سنتی تبدیل شود که چگونه نیروهای نظامی می‌بایست در آینده مورد استفاده قرار گیرند تا از تجارب حاصل‌شده در عراق و افغانستان اجتناب به عمل آید. لذا شناخت آنچه در سال ۲۰۱۱ در لیبی روی داد و علل آن، ضروری می‌باشد.

بررسی نبرد هوایی لیبی

ایده مداخله نظامی غرب در لیبی باعث می‌شود روح درگیری‌های پیش از آن احضار شود. دانشجویان دانشکده تاریخ دریایی آمریکا به خاطر دارند که طرابلس هدف اصلی اولین عملیات برون‌مرزی ایالات متحده بر ضد قلمرو دزدان دریایی بربر، در کابینه نخست جفرسون (۱۸۰۱-۱۸۰۵) بوده است. در تاریخ قدرت هوایی نیز در حقیقت سال ۲۰۱۱ مصادف است با سالگرد یکصدمین استفاده از هواپیما در جنگ که نیروهای ایتالیایی در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲، با امپراتوری عثمانی برای کنترل لیبی وارد جنگ شدند.

برای شناخت نقش عملیات‌های طلوع اودیسه و محافظین متحد در بسط قدرت هوایی، مهم‌ترین پیش‌زمینه تاریخی را می‌توان در سری نبردهای صورت گرفته طی بیست سال اخیر در خلیج فارس، بالکان و افغانستان یافت که در آن‌ها نبردهای هوایی مستقلی به‌طور عمده وجود دارند (جدول ۱-۱). هرکدام از آن‌ها شباهت‌هایی قطعی

با نبرد هوایی لیبی دارند، اما در برخی جنبه‌ها نیز متمایز می‌باشند. پیش از برشمردن تمایزات، باینکه مشخص کردن ایده «نبردهای هوایی نسبتاً مستقل» بسیار مهم می‌باشد، اجازه دهید که فرض کنیم قدرت هوایی به تنهایی تعیین‌کننده نتایج هر یک از این جنگ‌ها بوده است. در حقیقت، نیروی زمینی به‌طور شاخص در هرکدام از آن‌ها حضور داشته که البته با یکدیگر متفاوت می‌باشند. آنچه در میان آن‌ها مشترک است، چه در برخی و یا تمام عملیات‌ها، قدرت هوایی کم‌ویش به‌طور مستقل به‌کاررفته تا این‌که با یکپارچگی زیاد در میان نیروهای زمینی متعارف چندملیتی، طبق چشم‌اندازهای دکترین رزم مشترک استفاده شود. این تصویر از چشم‌انداز عملیات قدرت هوایی و یا چگونگی عملکرد آن با استقلال واقعی سایر نیروهای مسلح متفاوت است. در این بخش نشان خواهیم داد که اشاره به «نبرد هوایی» در لیبی که استراتژی، اجرا و نتایج نبرد تماماً با تعامل میان قدرت هوایی و نیروی زمینی بومی شکل می‌گیرد، تطابق دارد.

عراق و کویت: عملیات طوفان صحرا، سال ۱۹۹۱

در ژانویه سال ۱۹۹۱، ائتلافی چندملیتی به رهبری ایالات متحده آمریکا، نبرد هوایی پنج‌هفته‌ای را بر ضد صدام حسین آغاز نمودند و نیروی زمینی جهت یک پاسخ مشترک به منظور اخراج نیروهای متجاوز عراق از کویت و شکست نیروی زمینی این کشور، آماده گردید. پس از این‌که تهاجم زمینی آغاز شد، بیشتر نیروهای باقی‌مانده عراق یا از هم‌گسیخته بوده و یا فرار نموده بودند و پس از گذشت تنها چهار روز از شروع نبرد زمینی، آتش‌بس برقرار شد. باینکه عملیات طوفان صحرا (ODS) با نبرد هوایی بسیار کم‌حجم‌تر لیبی تفاوت‌های عمده‌ای دارد، اما با آن همانند است چون در آن زمان قدرت هوایی پیشرفته کاملاً بی‌سابقه‌ای در یک تهاجم پیوسته بر ضد یک دشمن با استحکامات بسیار به کار گرفته شد، درحالی‌که یگان‌های زمینی خودی منتظر بودند تا بمباران صورت گیرد و به‌اندازه کافی دشمن را فرسوده ساخته و شرایط نبرد را به‌طور مطلوب و قاطع به نفع خود تغییر دهند؛ چیزی فراتر از به‌کارگیری قدرت هوایی و آتش توپخانه باهدف نرم کردن دشمن در لحظات آغازین تهاجم زمینی. طوفان صحرا همچنین مزایای عملیاتی «شکار تانک» را که مهمات هدایت دقیق (PGM) به‌طور سامانمند جهت انهدام خودروهای زرهی ثابت به کار گرفته شدند را آشکار ساخت.

جدول ۱-۱. تهاجمات هوایی منتخب از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱

عملیات	تعداد سورتی	درصد سورتی آمریکا	مجموع مهمات مصرفی	درصد مهمات هدایت دقیق
طوفان صحرا ۱۹۹۱	۱۱۸۷۰۰	۸۵	۲۲۷۰۰۰	۶
نیروی حساب شده ۱۹۹۵	۳۵۰۰	۶۶	۱۰۰۰	۶۹
نیروهای متحد ۱۹۹۹	۳۸۰۰۰	۳۹	۲۳۳۰۰	۲۹
آزادسازی ماندگار ۲۰۰۱	۲۳۹۰۰	۸۶	۱۷۵۰۰	۵۷
طلوع اودیسه، محافظین متحد ۲۰۱۱	۲۶۳۰۰	۲۷	۷۶۴۲	۱۰۰

بوسنی: عملیات نیروی حساب شده، سال ۱۹۹۵

این عملیات نسبتاً کوچک سه هفته‌ای توسط ناتو بر ضد ارتش صرب بوسنی (BSA) در محدوده مورد مشاجره یوگسلاوی صورت گرفت. هدف از این نبرد هوایی مجاب کردن صرب‌های بوسنی برای متوقف کردن خصومت‌ها و عدم کشورگشایی در قلمرو کروات بوسنی و مسلمانان بود. وقتی که نبرد هوایی آغاز شد، ارتش کروات که کمک‌های لجستیک و سازمانی غیررسمی سنگینی را از پیمانکاران نظامی آمریکایی دریافت کرده بود، تهاجم وسیعی را بر ضد صرب‌ها آغاز نمود و سبب شد فشار مضاعفی بر اثر حملات زمینی، هوایی و توپخانه‌ای توسط کشورهای انگلیسی-فرانسوی سازمان ملل در اطراف سارایوو به ارتش صرب‌ها وارد شود. پس از این که آن‌ها از اکثریت مناطقی که مدنظر ناتو بود رانده شدند، طبق توافق صلح، با برقراری آتش‌بس موافقت نموده و سپس توافق صلح دایتون اجرا شد.

صربستان: عملیات نیروهای متحد، سال ۱۹۹۹

سه سال و نیم بعد، نیروهای ناتو به جنگی بر ضد صربستان اعزام شدند تا تلاش کنند به نسل‌کشی صرب‌ها در محدوده‌ای که در کوزوو، اکثریت آلبانیایی تبار بودند، خاتمه دهند. عملیات نیروهای متحد، نبردی یازده هفته‌ای توأم با بمباران مستمر بود که بر ضد نیروهای نظامی و شبه‌نظامی صرب در کوزوو و اهداف نظامی و وابسته به دولت در صربستان صورت گرفت. قدرت هوایی در مقابله با واحدهای کوچکی که مشغول

پاکسازی نژادی بودند به شدت ناتوان بود، اما در اوایل ژوئن ۱۹۹۹، رئیس‌جمهور صربستان، اسلوبودان میلوشویچ به درخواست ناتو مبنی بر خودمختاری و حق استقلال کوزوو تن درداد.

وقتی جنگ آغاز شد، مقامات ناتو امکان‌پذیری تهاجم زمینی به صرب‌ها را همانند مورد لیبی منتفی دانستند، اما با طولانی شدن نبرد، ناتو عملیات زمینی را مجدداً مدنظر قرارداد و تهاجم را در پاییز آغاز نمودند. با نزدیک شدن به پایان جنگ، ارتش آزاد نامتقارن کوزوو (KLA) عملیات‌های ویژه‌ای را انجام داد که برای اخراج نیروهای صرب به مناطق باز و در معرض قرار گرفتن آن‌ها برای تهاجم هوایی بسیار مفید بود، اما در همین حال صرب‌ها در حال تسلیم شدن بودند.

افغانستان: عملیات آزادسازی ماندگار، سال ۲۰۰۱

شاید بیشترین تشابه با مداخله نظامی لیبی، ماه‌های نخست عملیات آزادسازی ماندگار در پاییز سال ۲۰۰۱، به دنبال حملات تروریستی القاعده در یازدهم سپتامبر باشد. قدرت هوایی ایالات متحده آمریکا با عملیات‌های دوربرد از پایگاه‌های زمینی و ناوهای هواپیمابر مستقر در خاورمیانه و اقیانوس هند - درحالی‌که نیروهای ویژه آمریکا و کشورهای متحد بسیار کمک نمودند - اما نه کاملاً - اهداف نظامی القاعده و طالبان را مورد تهاجم قرار داده و نیروهای معارض شمالی را در وضعیتی قرار دادند که در نبرد طولانی با طالبان شرایط مساعدتری یابند. با تأثیرگذاری تهاجم هوایی، طالبان با سرعت بسیار بالایی جابجا شدند که تعجب طراحان نظامی آمریکا را نیز برانگیخت - آن‌ها انتظار داشتند که شکست نهایی طالبان کمی پس از ورود تیپ‌های متعارف نیروی زمینی آمریکا به افغانستان روی دهد. به دنبال پیروزی‌های اتحاد شمالی تحت تأثیر قدرت هوایی، نیروهای بازمانده طالبان متفرق شده یا - در کنار بازماندگان القاعده - به شمال غرب پاکستان فرار کردند و عملیات زمینی طولانی مدتی را بر ضد دولت افغان، ناتو و نیروهای متحد در افغانستان آغاز نمودند.

چرا نبرد هوایی لیبی حائز اهمیت است؟

لازم به یادآوری نیست که هر جنگی ارزش مطالعه داشته و هیچ‌یک را نباید به دست فراموشی سپرد. برخی از آن‌ها درس‌های عاقبت اندیشانه به همراه داشته، برخی

چشم اندازی به سوی آینده بوده و در هریک یادی از کشته شدگان صورت می پذیرد. جنگ ها می توانند به سبب گستردگی، پیامدهای سیاسی یا فاجعه آمیز درخور توجه باشند، اما برای ایالات متحده و متحدانش، نبرد لیبی حداقل هیچ کدام از این موارد نبوده است. هنوز جنبه های بسیاری از این مورد، مداخله در لیبی را بدون در نظر گرفتن حجم کوچک و هزینه های پایین، حائز اهمیت می سازد که مستلزم توجه جدی به آن می باشد.

نخست این که به واسطه عملیات چندملیتی، گسترده بوده است. جنگیدن به عنوان بخشی از یک اتحاد یا ائتلاف برای ایالات متحده به ندرت بی سابقه می باشد، اگرچه آمریکا در کنار متحدین و شرکای مختلفی نه تنها در جنگ های اخیر مورد اشاره در بالا مشارکت داشته، بلکه در برلین، کره و ویتنام نیز حضور داشته است. در بعضی موارد مانند تهاجم به گرانادا، ائتلاف به دلایل سیاسی حضور داشته و مشارکت اندکی در حوزه نظامی یافتند؛ و در موارد دیگر، علیرغم حضور پررنگ نظامی نیروهای ائتلاف و شرکا، آمریکا نقش بزرگی در اجرای عملیات های هوایی رزمی داشته است. اما از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون، در این جنگ که آمریکا نیز حضور داشته، قدرت های هوایی کشورهای دیگر مشارکت بسیاری داشته اند.

دوما، لیبی را می توان تقریباً شیوه ای استراتژیک موسوم به «مداخله هوایی» دانست که شامل مداخله قدرت های خارجی در یک نبرد، در ابتدا و یا تماماً به وسیله قدرت هوایی و با همکاری کم و بیش با نیروی زمینی بومی می باشد. مجدداً ذکر می شود که این منظر خاص تنها متعلق به عملیات لیبی نبوده است. پیش از آن در افغانستان (سال ۲۰۰۱)، بوسنی و شاید حتی در ویتنام (۱۹۷۲) نیز مسبق به سابقه است. اما برخلاف گذشته، مداخله هوایی به صورت بین المللی به منزله یک استراتژی دنبال شد - اعزام نیروی زمینی از خارج به جنگ داخلی لیبی نه تنها به منظور اجتناب از گرفتار شدن در باتلاقی دیگر در منطقه ممنوع گردید، بلکه طبق قطعنامه سازمان ملل، اجرای عملیات صرفاً برای پشتیبانی صورت می گرفت. هزینه پایین این نبرد که با شیوه مداخله هوایی گره خورده، این سؤال اغواکننده را مطرح می کند که چطور می توان نبردهای دیگری را در مناطق دیگر با موفقیت به اجرا رسانید؟ آگاهی از وقایع لیبی برای پاسخگویی کامل مکفی نبوده، اما برای شروع الزامی است.

بیان مجدد نکته کلیدی درباره این نبرد بسیار بارز است. این مداخله هوا پایه محور

بوده، اما احراز موفقیت تنها به علت به‌کارگیری قدرت هوایی نبوده و این قصد نیز از ابتدا وجود نداشت. غلبه بر رژیم قذافی نهایتاً توسط نیروی هوایی و زمینی صورت پذیرفت، البته واحدهای رزمی زمینی به‌جای این‌که از سوی قدرت‌های خارجی تأمین شوند، بومی بودند (کمک و مشاوره به انقلابیون مسبب تشکیل ارتشی کارآمد شد). با توجه به تمام موارد ذکرشده و سایر موارد، مداخله در لیبی را می‌توان نویددهنده آینده‌درگیری‌ها دانست. شناخت ملزومات موردتوجه و درس‌های قابل‌استخراج برای شکل‌دهی سیاست و استراتژی در هر مکانی، هسته اصلی این نوشتار می‌باشد.

فصل ۲ چشم‌انداز استراتژیک و سیاسی مداخله

